

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی و دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۵۲-۱۳۱



روابط اتحادیه اروپا با چین

در دوران ترامپ

دکتر رویا خضری^۱

dr.rkhezri@gmail.com

^۱. کارشناس سیاسی حوزه آسیا-اقیانوسیه

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۵/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۵

چکیده

چین برغم تفاوت در بسیاری از زمینه ها از جمله نقش پررنگ دولت در اقتصاد و موضوع حقوق بشر، یک شریک مهم استراتژیک برای اتحادیه اروپا به حساب می آید. چین امروز، می تواند نقش مهمی در حفظ نظم و ثبات بین المللی و حاکمیت جهانی داشته باشد این نقش نیازمند افزایش مسئولیت پذیری چین و همراهی با نظم بین المللی است. مسائلی که در قرن ۲۱ زمینه ساز نزدیکی چین و اتحادیه اروپا به عنوان بازیگران مهم بین المللی شده، رو به افزایش است و همکاری و مشارکت این دو را تبدیل به یک ضرورت نموده است. ضرورتی که طرفین آنرا در بیستمین اجلاس سران در جولای ۲۰۱۸ به وضوح مورد تاکید قرار دادند. افزایش ناامنی و تنش ها در سطح بین المللی، حمایت گرایی، تغییرات زیست محیطی، تروریسم و بسیاری موضوعات دیگر منجر به تعهد مشترک طرفین به حفظ سیستم چندجانبه گرایی مبتنی بر قوانین بین المللی در مقابل سیاست حمایت گرایی به ویژه از سوی آمریکا شده است. با توجه به موارد فوق، این مقاله درصدد است تا با نگاهی به روابط اتحادیه اروپا و چین بعد از روی کار آمدن ترامپ، به این پرسش بپردازد که چین و اتحادیه اروپا با وجود تفاوتها در زمینه های سیاسی، اقتصادی و حقوق بشری آیا مشارکت استراتژیک بین خود را در قرن ۲۱ به عنوان یک ضرورت می بینند یا تنها به دلیل مقابله با سیاستهای ترامپ بهم نزدیک شده اند؟ و آیا این نزدیکی در آینده برای اتحادیه اروپا فرصت خواهد بود یا تهدید یا هر دو؟ بدین منظور در این مقاله با بررسی زمینه های مشارکت چین و اتحادیه اروپا بر اساس سند ۲۰۲۰، موضع اروپا نسبت به طرح کلان کمربند-راه چین را مورد بررسی قرار داده، سپس با نگاهی به آمار تبادلات نظامی دو حوزه اروپا و آسیا-اقیانوسیه و هزینه های طرفین در بخش نظامی به این نتیجه دست یافته که اتحادیه اروپا باید کم کم چین را به عنوان یک شریک استراتژیک در مسائل بین المللی ببیند و نگاهی به چین هم فرصت باشد و هم تهدید و نه تنها تهدید صرف.

واژگان کلیدی

چین، اتحادیه اروپا، آمریکا، حمایت گرایی، طرح کمربند-راه، هزینه های نظامی.

مقدمه

چین برغم تفاوت در بسیاری از زمینه ها از جمله نقش پررنگ دولت در اقتصاد و موضوع حقوق بشر، یک شریک مهم استراتژیک برای اتحادیه اروپا به حساب می آید. همکاری و مشارکت متقابل در زمینه های مختلف از سرمایه گذاری و زیرساختها گرفته تا سیاست و امنیت سایبری می تواند برای هر دو طرف کارآمد باشد. چین امروز، می تواند نقش مهمی در حفظ نظم و ثبات بین المللی و حاکمیت جهانی داشته باشد این نقش نیازمند افزایش مسئولیت پذیری چین و همراهی با نظم بین المللی است. مسائلی که در قرن ۲۱ زمینه ساز نزدیکی چین و اتحادیه اروپا به عنوان بازیگران مهم بین المللی شده رو به افزایش است و همکاری و مشارکت این دو را تبدیل به یک ضرورت نموده است. ضرورتی که طرفین آنرا در بیستمین اجلاس سران در جولای ۲۰۱۸ به وضوح مورد تاکید قرار دادند. افزایش ناامنی و تنش ها در سطح بین المللی، حمایت گرایی، تغییرات زیست محیطی، تروریسم و بسیاری موضوعات دیگر منجر به تعهد مشترک طرفین به حفظ سیستم چندجانبه گرایی مبتنی بر قوانین بین المللی در مقابل سیاست حمایت گرایی به ویژه از سوی آمریکا شده است.

با وجود زمینه های بسیار برای همکاری، اتحادیه اروپا به خصوص در زمینه تجارت و سرمایه گذاری همچنان نگرانی های خود را نسبت به چین دارد. مواردی چون عدم دسترسی آسان به بازار چین، امنیت سرمایه گذاری و بروکراسی گسترده چین برای اروپا بحث برانگیز است. از سوی شی جین پینگ، رئیس جمهور چین با ایده « جوانسازی چین»^۱ بدنبال اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر اقتصاد بازار و رشد تکنولوژی محور است. این در قالب طرح کلان چین موسوم به Made in China 2025 با هدف دستیابی به خودکفایی و جایگزینی تولیدات چینی به جای واردات است. (Saarela, 2018) در واقع، چین به این جمع بندی رسیده که به عنوان یک قدرت نوظهور و بازیگر مهم بین المللی در کنار آمریکا و اتحادیه اروپا، ملزم به پایبندی به قوانین بین

¹. Rejuvenation of China

المللی و افزایش مسئولیت پذیری در سطح جهانی است. در همین راستا مشارکت استراتژیک چین و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۳ پایه گذاری شد و بیستمین نشست در جولای ۲۰۱۸ در کنار امضای سند EU-China2020 نشانگر اوج تعهد طرفین به همکاری در موضوعات جهانی است. بر اساس این سند که سه حوزه را شامل می گردد، اتحادیه اروپا انتظار دارد تا چین به عنوان یک شریک استراتژیک در سطح بین المللی عمل نماید. در حوزه اصلاحات؛ باز شدن بازار چین، شفافیت، اعتماد و دستیابی به یک توافقنامه سرمایه گذاری، در حوزه سیاست خارجی و امنیت؛ اجرای استانداردها و قوانین بین المللی توسط چین، مبارزه با تروریسم و امنیت سایبری و در حوزه سوم در خصوص حاکمیت جهانی؛ مشارکت در برخورد با بحرانهای بین المللی همچون تغییرات آب و هوایی، مهاجرت و حقوق بشر، از اولویتهای اتحادیه اروپا در این سند است. با توجه به موارد فوق، این مقاله درصدد است تا با نگاهی به روابط اتحادیه اروپا و چین بعد از روی کار آمدن ترامپ، به این پرسش بپردازد که چین و اتحادیه اروپا با وجود تفاوتها در زمینه های سیاسی، اقتصادی و حقوق بشری آیا مشارکت استراتژیک بین خود را در قرن ۲۱ به عنوان یک ضرورت می بینند یا تنها به دلیل مقابله با سیاستهای ترامپ بهم نزدیک شده اند؟ و آیا این نزدیکی در آینده برای اتحادیه اروپا فرصت خواهد بود یا تهدید یا هر دو؟ بدین منظور تلاش می گردد تا با بررسی زمینه های مشارکت چین و اتحادیه اروپا بر اساس سند ۲۰۲۰، موضع اروپا نسبت به طرح کلان کمربند- راه چین مورد بررسی قرار گیرد، سپس با نگاهی به آمار تبادلات نظامی دو حوزه اروپا و آسیا-اقیانوسیه و هزینه های طرفین در بخش نظامی به پرسش فوق پاسخ داده شود.

همکاری چین و اتحادیه اروپا بر اساس دستورکار ۲۰۲۰

بدنبال برگزاری بیستمین اجلاس سران چین و اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۸، طرفین بیانیه مشترکی دادند که در مقایسه با قبل تاکید زیادی بر تقویت مشارکت و تعهدات طرفین در فضای جدید بین المللی و حضور ترامپ در مسند قدرت در آمریکا دارد. دو طرف در سه زمینه با رویکرد کنونی آمریکا مشکل دارند:

۱- در حوزه اقتصادی؛ تاکید بر اقتصاد باز، تسهیل و آزادسازی تجاری در مقابل حمایت گرایبی آمریکا.

۲- در حوزه تغییرات اقلیمی؛ تاکید طرفین بر حمایت از توافقنامه پاریس در زمانی که آمریکا از آن خارج شده است.

۳- حمایت از برجام و پایبندی به آن در برابر خروج آمریکا از برجام.

این سه موضوع مورد تاکید چین و اتحادیه اروپا، در شرایطی که ترامپ به نوعی در جهت مخالف آن در حرکت است حاکی از ایستادگی چین به عنوان یک قدرت نوظهور و اتحادیه اروپا به عنوان متحد قدیمی آمریکا در برابر سیاست «اول آمریکا» ترامپ است. (Godement & Vasselier, 2017) بیانیه مشترک بیستمین اجلاس چین و اتحادیه اروپا مجموعه گسترده ای از مسائل سیاسی، اقتصادی، امنیتی، زیست محیطی، فناوری و روابط مردمی در سه سطح دوجانبه، منطقه ای و بین المللی را شامل می گردد که در نوع خود کاملترین بیانیه مشترکی است که طرفین تا کنون بر سر آن توافق داشته اند که به نوعی نشانگر نزدیکی بیشتر آنها بعد از تصمیمات و سیاستهای یکجانبه ترامپ است. این بیانیه به اختصار بر موارد ذیل تاکید دارد:

۱- در حوزه امنیتی

- گسترش صلح و امنیت با تاکید بر جهانی چندقطبی، تنوع فرهنگی، برابری و توسعه جهانی؛ از طریق مشارکت و مشورت در مسائل دوجانبه، منطقه ای و بین المللی در سازمانها و نهادهای منطقه ای و بین المللی با تاکید بر ایجاد یک سیستم شفاف و عادلانه با مرکزیت سازمان ملل.

- همکاری در موضوعات امنیتی از قبیل: امنیت هسته ای و نظارت بر استفاده صلح آمیز از آن، ایجاد فضای امن سایبری، مبارزه با تروریسم و پولشویی، مبارزه با دزدی دریایی. - مدیریت مقابله با بلایای طبیعی و زیست محیطی.

۲- در حوزه اقتصادی

- تاکید بر مسئولیت مشترک برای حمایت از اقتصاد بازار آزاد، شفافیت و ایجاد فرصت برای شرکتهای کوچک و متوسط، تقویت همکاری های گمرکی و مقابله با قاچاق.

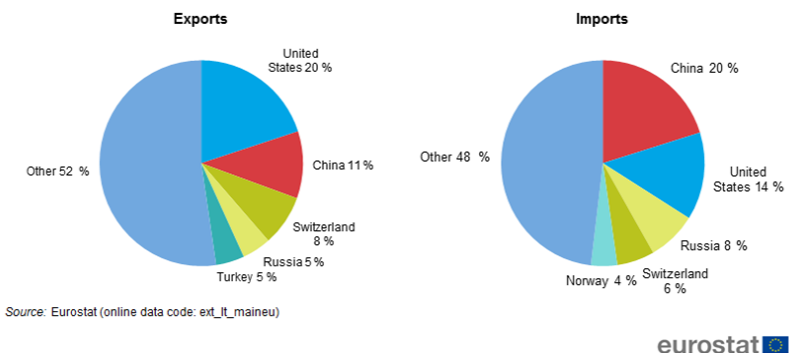
- هماهنگی و همکاری در سطوح منطقه ای و بین المللی در چارچوب سازمانهای بین المللی به ویژه سازمان تجارت جهانی و G20.
- کاربرد ارز دوجانبه یورو- یوان در تبادلات تجاری و اقتصادی.
- گسترش همکاری ها در بخشهای خدمات، صنعت، ارتباطات، حمل و نقل، زیرساختها و شبکه های ارتباطی بین آسیا و اروپا در مسیرهای زمینی، هوایی و دریایی.
- ۳- در حوزه توسعه پایدار
- توافق بر سر همکاری های فراگیر در موضوعات زیست محیطی، تغییرات اقلیمی و انرژی از طریق علوم و فناوری و همکاری تحقیقاتی بین چین و اتحادیه اروپا، در خصوص کشاورزی، آب و امنیت غذایی، انرژی های پاک، مدیریت حفظ محیط زیست و امنیت انرژی.
- برنامه ریزی توسعه پایدار شهری، مدیریت زیرساختهای شهری، استاندارد سازی، همکاری های شهری و ایجاد پارکهای فناوری.
- ۴- در حوزه هوا فضا؛ تبادل اطلاعات، همکاری در صنعت فضایی و سیستمهای ماهواره ای.
- ۵- تاکید بر روابط مردم با مردم؛ سیاستگذاری فرهنگی، توریستی، آموزشی، تبادل اطلاعات گردشگری و اجرای پروژه های مشترک جهت تسهیل و توسعه روابط مردمی و جوانان.
- ۶- تاکید بر لزوم سیاستگذاری منطقه ای، همکاری های اقیانوسی، همکاری در توسعه جهانی. (EU-China 2020 Strategic Agenda for Cooperation, 2018)
- در میان موضوعات مختلفی که در این بیانیه آمده است شاید حوزه اقتصادی، با توجه به تصمیمات اخیر ترامپ در خصوص تعرفه ها و تاثیرات گسترده آن بر تجارت چین و اتحادیه اروپا، مهمترین موضوع باشد. در حال حاضر اتحادیه اروپا بزرگترین شریک تجاری چین است و چین هم بعد از آمریکا دومین شریک بزرگ تجاری اتحادیه اروپا است. (EU China Relations, 2018) ارزش روزانه تجارت کالا بین طرفین به ۱/۵

۱. جمعیت چین و اتحادیه اروپا روی هم یک چهارم جمعیت کره زمین را تشکیل می دهد.

میلیارد یورو می رسد. حجم صادرات اتحادیه به چین در سال ۲۰۱۷ به میزان ۱۹۸/۲ میلیارد یورو و واردات اتحادیه از چین ۳۷۵/۴ میلیارد یورو بوده است. کسری تجاری اتحادیه اروپا در برابر چین به ۱۷۶/۴- میلیارد یورو رسید. چین و اتحادیه اروپا حدود یک سوم تولیدات اقتصادی جهانی و حدود نیمی از حجم تجارت جهانی را به خود اختصاص داده اند. (China-EU - International Trade in Goods Statistics, 2018)

بر اساس نمودار زیر موقعیت چین در بین شرکای تجاری اتحادیه اروپا به این ترتیب است:

The position of China among the EU's main partners, 2017



eurostat

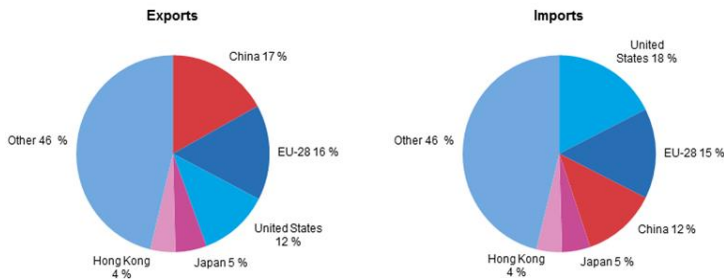
در بخش صادرات اتحادیه اروپا: ۲۰٪ از آمریکا، ۱۱٪ از چین، ۸٪ از سوئیس، ۵٪ از روسیه، ۵٪ از ترکیه و ۵۲٪ از سایر نقاط جهان.

در بخش واردات اتحادیه اروپا: ۲۰٪ از چین، ۱۴٪ از آمریکا، ۸٪ از روسیه، ۶٪ از سوئیس، ۴٪ از نروژ و ۴۸٪ از سایر نقاط جهان.

چین در سال ۲۰۱۷ با ۲ تریلیون و ۲۷۲ میلیارد دلار، ۱۴/۲ درصد از سهم صادرات جهانی را به خود اختصاص داد. در حال حاضر از منظر تقسیم بندی قاره ای، ۴۸/۵ درصد صادرات چین به آسیا، ۲۲ درصد به آمریکای شمالی، ۱۸/۹ درصد به اروپا، ۴/۲ درصد به آمریکای لاتین و ۴/۱ درصد به آفریقا می باشد. سهم ۵ صادر کننده بزرگ جهان در سال ۲۰۱۶ به ترتیب شامل: چین ۱۷ درصد، اتحادیه اروپا ۱۶ درصد، آمریکا

۱۲ درصد، ژاپن ۵ درصد، هنگ کنگ ۴ درصد و سایر کشورها ۴۶ درصد. سهم ۵ واردکننده بزرگ جهان در سال ۲۰۱۶ به ترتیب شامل: آمریکا ۱۸ درصد، اتحادیه اروپا ۱۵ درصد، چین ۱۲ درصد، ژاپن ۵ درصد، هنگ کنگ ۴ درصد و سایر کشورها ۴۶ درصد. (Workman, 2018).

The position of China among the world's largest traders, 2016



Source: Eurostat (online data code: ext_lt_introle)

eurostat

بر اساس گزارش آنکتاد در سال ۲۰۱۸ در رابطه با جریان جهانی FDI، در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۶ درصد کاهش داشته و از ۱ تریلیون ۸۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۱ تریلیون و ۵۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است. (UNCTAD, 2018)

آمریکا با ۲۷۵ میلیارد دلار جذب سرمایه در رتبه اول و چین با ۱۳۶ میلیارد دلار در جایگاه دوم قرار دارد. اتحادیه اروپا با کاهش ۲۶ درصدی از ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۳۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ در جایگاه سوم است. چین به عنوان سرمایه گذار با ۱۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ بعد از آمریکا با ۳۴۲ میلیارد دلار و ژاپن با ۱۶۰ میلیارد دلار رتبه سوم را داراست. (China Going Global Investment Index, 2017)

بر اساس آمارهای فوق، برغم تمامی نگرانیهای اتحادیه اروپا از نفوذ چین، این اتحادیه نمی تواند چین را که دومین قدرت اقتصادی جهان و بزرگترین صادر کننده در سطح جهانی است، نادیده بگیرد و همین امر موجب گردیده تا با نزدیکی بیشتر و برقراری روابط در زمینه های مختلف به ویژه در حوزه اقتصادی در چارچوب قوانین تجارت بین الملل تلاش کند تا یک محیط شفاف و قابل اطمینان را برای شرکت های تجاری اروپایی ایجاد کند تا هر دو طرف از امنیت قانونی و دسترسی بهتر به بازار

برخوردار گردند. از سوی دیگر همانطور که هر دوطرف تاکید کردند نزدیکی روابط آنها به معنای تشکیل یک ائتلاف جدید در مقابل آمریکا نیست. نگاهی به حجم سرمایه گذاری های مستقیم خارجی، خود تاییدی بر این امر است. حجم سرمایه گذاری های مستقیم خارجی بین چین و اتحادیه بسیار کمتر از حجم آن بین اتحادیه و آمریکا است. بر اساس آمار موسسه چتم هاوس در سال ۲۰۱۶، میزان سرمایه گذاری های مستقیم خارجی اتحادیه در چین ۱۶۸ میلیارد یورو و حجم سرمایه گذاری های مستقیم خارجی چین در اتحادیه اروپا ۳۵ میلیارد یورو است که در مقایسه با آمریکا بسیار ناچیز است. حجم سرمایه گذاری های مستقیم خارجی اتحادیه در آمریکا ۲ تریلیون و ۶۰۰ میلیارد یورو و حجم سرمایه گذاری های مستقیم خارجی آمریکا در اتحادیه ۲ تریلیون و ۴۰۰ میلیون یورو می باشد. (EU-China Economic Relations to 2025, 2017) هرچند چین و اتحادیه اروپا منافع مشترکی در زمینه های تجارت جهانی و مخالفت با سیاستهای ترامپ دارند، اما از منظر واقع بینانه و دیدگاه رئالیستی، نمی توان انتظار شکل گیری یک اتحاد بین آنان در برابر آمریکا داشت. (China EU Vow to Work more Closely, 2018)

بر اساس بررسی اتاق تجارت اتحادیه اروپا در چین، چین دارای یکی از "محدود کننده ترین اقتصادهای" جهان می باشد. شرکت های امریکایی و اروپایی که در آن کشور مشغول کار هستند، همواره از بروکراسی گسترده و قوانین مبهم در چین شکایت می کنند. آنان بر این باور اند که این کار باعث ایجاد چالش در زمینه رقابت با شرکت های چینی شده است. دولت چین، شرکت های اتحادیه اروپا را مجبور به انتقال دانش خود به چین می کند، بطور مثال، ایجاد مشارکت با شرکت های چینی یکی از شرایط مورد نیاز برای فعالیت های تجاری شرکت های خارجی در این کشور است. چیزی که همواره از سوی سیاستمداران اتحادیه اروپا مورد انتقاد قرار گرفته است. بسیاری از اتهاماتی که از سوی ترامپ نیز متوجه چین شده است، مورد انتقاد اتحادیه اروپا هم هست. اولویت دادن به شرکت های چینی، اجبار در سرمایه گذاری مشترک، نبود قانون مداری، سانسور اینترنت و بیش از هر چیز نقض موازین حقوق بشر از جمله انتقادهای مشترک آمریکا و

اتحادیه اروپا از چین هستند؛ حوزه‌هایی که دولت چین سال‌هاست وعده بهبود آنها را داده است. (تلاش‌های مشترک اروپا و چین، ۲۰۱۸)

از دیگر نگرانی‌های اتحادیه اروپا از بابت چین، ارتباط بسیار نزدیک برخی از کشورهای مرکزی و شرق اروپا با چین و نفوذ قدم به قدم چین در میان اتحادیه اروپا است. نفوذ چین در اروپا تنها در مازاد تجاری خلاصه نمی‌شود، دیپلماسی عمومی، افزایش روابط نظامی، سرمایه‌گذاری و وام‌دهی به ویژه در برخی کشورهای اروپایی که درگیر بحران اقتصادی هستند از دیگر حوزه‌های نفوذ هستند که نفوذ چین در آنها به خوبی مشهود است. چین امروز در داخل اروپا است. (Godement & Vasselier, 2017) در حال حاضر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در کشورهای عضو اتحادیه اروپا افزایش یافته است. چین توانسته از این طریق و به کمک برخی از اعضای این اتحادیه در تصمیم‌گیری‌های مهم اتحادیه اروپا هم، نقش بازی کند. برای مثال، کشورهایی مانند یونان و مجارستان که از عواقب بحران مالی اروپا رنج می‌برند و چین به کمک این کشورها شتافته، از حامیان چین هستند. هر دو کشور به کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری چین به شدت نیاز دارند و هر دو از منافع چین در اتحادیه اروپا پشتیبانی می‌کنند. شرکت دولتی چین (Ocean Shipping Company (Cosco در سال ۲۰۱۶ حدود ۵۱ درصد از سهام بزرگترین بندر یونان را خریداری کرد. چین قصد دارد ۳۰۰ میلیون یورو در آنجا سرمایه‌گذاری کند تا این بندر یونانی به مهم‌ترین بندر در دریای مدیترانه برای ورود کالاهای چینی به اروپا تبدیل شود. نفوذ چین بر اتحادیه اروپا زمانی برجسته شد که در مارس ۲۰۱۷ قرار بود علیه شکنجه در چین بیانیه مشترکی از طرف اعضای اتحادیه اروپا صادر شود. قرار بود اتحادیه اروپا چین را به دلیل بازداشت و شکنجه حقوقدان‌های این کشور محکوم کند اما مجارستان این بیانیه مشترک را امضا نکرد و یا در ژوئن ۲۰۱۷ یونان از ارسال بیانیه مشترک اتحادیه اروپا در رابطه با چین به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد جلوگیری کرد همچنین یونان و مجارستان مانع تصویب قوانینی در شورای اروپا شده‌اند که هدف آن کنترل سرمایه‌گذاری چین در عرصه‌های مهم و کلیدی اقتصادی این اتحادیه بوده است. (نگرانی اروپایی‌ها از نفوذ فزاینده‌ی چین در اتحادیه اروپا، ۲۰۱۸) با این حال ترکیب وزن اقتصادی چین و اتحادیه اروپا می‌تواند

در حفظ ثبات نظم جهانی و تقویت آن به ویژه در شرایط فعلی و با وجود سیاستهای ترامپ، بسیار تعیین کننده باشد.

موضع اروپا در ارتباط با طرح کمربند- راه «BRI»^۱

این طرح اولین بار در سال ۲۰۱۳ توسط شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین مطرح شد. طرح کمربند- راه به‌عنوان یک راهبرد توسعه‌ای مبتنی بر ارتباطات و خطوط ترانزیتی در مقیاس قاره ای جهت تقویت ارتباطات زیرساختی، تجارت و سرمایه گذاری بین چین و ۶۵ کشور دیگر است که در مجموع بیش از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی، ۶۲ درصد جمعیت و ۷۵ درصد ذخایر انرژی را دارا هستند. (Boffa, 2018) این پروژه دارای یک کمربند اقتصادی جاده ابریشم و یک مسیر دریایی است. در کریدور زمینی، یک راه چین را از طریق مغولستان به روسیه و دیگری چین را از طریق آسیای مرکزی و روسیه به اروپا و مسیری کوتاه در غرب آسیا شامل پاکستان و هند از طریق برمه و بنگلادش متصل می کند. این کریدورها بخشی از شبکه لجستیک و حمل و نقل گسترده شامل راه آهن های جدید، بنادر، نیروگاه ها، پارکهای صنعتی و لوله های نفتی می شود. مسیر دریایی، سواحل شرقی چین را از طریق دریای جنوبی چین و تنگه مالاکا به بنادر اروپا و آفریقا متصل می کند. هزینه این پروژه ۱۰۰۰ میلیارد دلار پیش بینی شده که بیشتر آن توسط بانکهای چین تامین خواهد شد. اکثر مجریان طرح نیز شرکتهای چینی هستند. (Raghavan, 2017) در خصوص این طرح دیدگاههای مختلفی اعم از مثبت و منفی مطرح است. چین مدعی است که با مسیرهای تجاری جدید، توسعه زیرساخت ها در کشورهای در حال توسعه و تامین بودجه مطمئن، پروژه بزرگی را با روش برد- برد پیش می برد. این روش به آن معنا است که همه اعضا احساس کنند که منفعتی به دست آورده اند و کسی بازنده میدان نیست. به عبارتی دولت چین این طرح را ابتکاری در راستای تقویت روندها به سمت یک جهان چندقطبی، جهانی شدن اقتصاد، تنوع فرهنگی، استفاده‌ی گسترده‌تر از فناوری اطلاعات، تقویت رژیم آزاد جهانی در چارچوب همکاری‌های باز منطقه‌ای دانسته و اهداف اصلی

^۱. Belt & Road Initiative

آن را، تقویت جریان آزاد و منظم عوامل اقتصادی؛ تخصیص بهینه‌ی منابع و ادغام عمیق بازارها؛ تشویق کشورهای مشارکت‌کننده در طرح به هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای بالاتر و ایجاد یک ساختار باز و متوازن همکاری‌های منطقه‌ای به صورت مشترک که همه را منتفع نماید، برشمرده است. (Action plan on the Belt and Road Initiative, 2015)

در اروپا تحلیلها و نگاه‌ها متفاوت است. در این طرح، ۱۱ کشور عضو اتحادیه اروپا حضور دارند. چین یادداشت تفاهمی برای هماهنگی در اجرای طرح با کشورهای حوزه اروپای مرکزی و شرقی CEEC^۱ تحت عنوان ۱۶+۱ (شامل بلغارستان، کرواسی، چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، اسلواکی، اسلونی، و ۵ کشور حوزه بالکان آلبانی، بوسنی هرزه گوین، مقدونیه، مونته‌نگرو و صربستان) به امضا رسانده است. هدف این همکاری در اولویت قرار گرفتن ارتقای تجارت و سرمایه‌گذاری است. در سال ۲۰۱۷ حجم تبادلات تجاری بین چین با این ۱۶ کشور به میزان ۶۷ میلیارد و ۹۸۰ میلیون دلار بود که نسبت به سال قبل از آن ۱۵/۹ درصد رشد داشته است. حجم سرمایه‌گذاری چین در این ۱۶ کشور ۹ میلیارد دلار و در قالب ۲۰ پروژه صورت گرفته است. (Erdal, 2018) اما برخی از کشورهای اروپایی از این طرح بیش از همه احساس ضرر می‌کنند چرا که شرکت‌های آنان بسیار کم در پروژه‌های تاسیس زیرساخت‌ها مشارکت دارند. چین وعده تامین بودجه را مشروط به این ساخته است که شرکت‌های چینی در پروژه‌های مربوطه سهم بگیرند. این شرکت‌ها باید کارگران چینی را استخدام کنند و تا جایی که ممکن است، مواد خام و ابزارآلات لازم را از چین خریداری کنند. در نتیجه سهم اروپا در تجارت و سرمایه‌گذاری، در کشورهای آسیایی و آفریقایی رو به افول است. بر اساس بررسی‌هایی که بنیاد آلمانی فردریش ابرت و موسسه بین‌المللی صلح استکهلم (سیپری) در خصوص تاثیرات این طرح انجام داده است، این طرح تنها یک طرح با هدف اقتصادی نیست، در حوزه سیاسی تبعات منفی همچون بروز تنش‌های سیاسی، فساد سیاسی و حتی مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی برای برخی کشورها به دنبال خواهد داشت که نباید از آنها غفلت کرد. در واقع بر اساس نتایج این

^۱. Central & Eastern European Countries.

بررسی، چین با اجرای طرح کمربند- راه تنها در پی تجارت نیست بلکه می خواهد نهایتاً نفوذ سیاسی خود را گسترش بدهد. نویسندگان این پژوهش گفته اند که اروپایی ها به خوبی آگاه شده اند که باید دورنمای استراتژیکی را تهیه کنند تا بتوانند به طور منطقی به این پروژه عظیم واکنش نشان بدهند؛ اما در عمل تاکنون اقدامی از سوی آنان صورت نگرفته است. کشورهای اروپایی در مواجهه با این طرح هم‌نوا نیستند و پاسخ استراتژیکی به این مسئله ندارند. (Ghiassy & Zhou, 2017)

مقایسه جایگاه چین و اتحادیه اروپا در بخش نظامی

چین به عنوان کشوری پیشتاز در بخش نظامی چه در هزینه ها و چه در تبادل تسلیحات در بین کشورهای منطقه آسیا - اقیانوسیه مطرح است. این کشور رتبه دوم جهان در هزینه های نظامی و رتبه پنجم هم در صادرات و هم در واردات تسلیحات را به خود اختصاص داده و باعث گردیده تا منطقه آسیا- اقیانوسیه در سال ۲۰۱۷ با ۳/۶ درصد رشد نسبت به سال قبل در بخش هزینه های نظامی در جایگاه دوم جهان قرار گیرد، در حالیکه اروپا در دوره مشابه ۲/۲ درصد کاهش داشته است. به عبارتی چین به تنهایی ۴۸ درصد از کل بودجه آسیا- اقیانوسیه را دارا می باشد. با مقایسه دو حوزه آسیا- اقیانوسیه و اروپا در بخش نظامی می توان به خوبی به جایگاه چین و اهمیت آن برای اتحادیه اروپا در این زمینه پی برد. بر اساس آخرین گزارش منتشر شده توسط موسسه صلح بین المللی صلح استکهلم (سیپری) در ماه می ۲۰۱۸، هزینه های نظامی جهان در سال ۲۰۱۷ به میزان ۱ تریلیون و ۷۳۹ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل ۱/۱ درصد افزایش داشته است. این میزان از هزینه ها بالاترین رقم از زمان پایان جنگ سرد تا کنون است و ۲/۲ درصد از کل GDP جهان را شامل می گردد.

۱۵ کشور دارنده بیشترین هزینه های نظامی در آمار سیپری، ۱ تریلیون و ۳۹۶ میلیارد دلار معادل ۸۰ درصد از کل هزینه های جهان را شامل می گردند. در بین این ۱۵ کشور، ۵ کشور اول در این جدول شامل آمریکا، چین، عربستان، روسیه و هند حدود ۶۰ درصد از کل هزینه ها را به خود اختصاص داده اند. ۶ کشور چین، ترکیه، هند، روسیه، عربستان و استرالیا در طی یک دهه از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ بیش از ۳۰ درصد

افزایش در هزینه های نظامی خود داده اند. در جدول زیر آمار مربوط به ۱۵ کشور اول دارنده بالاترین هزینه های نظامی به همراه مقایسه میزان تغییر آن در یک دهه گذشته و درصد سهم از کل جهان مشخص شده است:

رتبه در سال ۲۰۱۷	رتبه در سال ۲۰۱۶	نام کشور	بودجه سال ۲۰۱۷ به میلیارد دلار	میزان تغییر در بین سالهای ۲۰۰۸-۲۰۱۷ به درصد	سهم از کل جهان به درصد
۱	۱	آمریکا	۶۱۰	-۱۴	۳۵
۲	۲	چین	۲۲۸	۱۱۰	۱۳
۳	۴	عربستان	۶۹/۴	۳۴	۴
۴	۳	روسیه	۶۶/۳	۳۶	۳/۸
۵	۶	هند	۶۳/۹	۴۵	۳/۷
۶	۵	فرانسه	۵۷/۸	۵/۱	۳/۳
۷	۷	انگلیس	۴۷/۲	-۱۵	۲/۷
۸	۸	ژاپن	۴۵/۴	۴/۴	۲/۶
۹	۹	آلمان	۴۴/۳	۸/۸	۲/۵
۱۰	۱۰	کره جنوبی	۳۹/۲	۲۹	۲/۳
۱۱	۱۳	برزیل	۲۹/۳	۲۱	۱/۷
۱۲	۱۱	ایتالیا	۲۹/۲	-۱۷	۱/۷
۱۳	۱۲	استرالیا	۲۷/۵	۳۳	۱/۶
۱۴	۱۴	کانادا	۲۰/۶	۱۳	۱/۲
۱۵	۱۵	ترکیه	۱۸/۲	۴۶	۱
مجموع ۱۵ کشور	-	-	۱۳۹۶	-	۸۰
کل جهان	-	-	۱۷۳۹	۹/۸	۱۰۰

در بین این ۱۵ کشور، کره جنوبی، برزیل و کانادا بین ۱۰ تا ۳۰ درصد هزینه های نظامی خود را افزایش داده اند. آلمان، فرانسه و ژاپن کمتر از ۱۰ درصد رشد داشتند اما ایتالیا، انگلیس و آمریکا هزینه های نظامی خود را کاهش داده اند. آمریکا با وجود کاهش ۱۴ درصدی در بودجه نظامی (۹۵ میلیارد دلار کاهش)، همچنان بیش از یک سوم از کل هزینه های نظامی جهان را داراست. مقایسه هزینه ها بین آسیا و اروپا طبق جدول، نشانگر آن است که در اروپا هزینه کل نظامی به میزان ۳۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ بوده است. این میزان ۲۰ درصد از کل هزینه های جهان است که نسبت به سال قبل ۲/۲ درصد کاهش داشته است. هزینه ها در ظرف یکسال گذشته در اروپای مرکزی با ۱۲ درصد رشد به ۲۴/۱ میلیارد دلار، در اروپای غربی با ۱/۷ درصد رشد به ۲۴۵ میلیارد دلار و در اروپای شرقی با ۱۸ درصد کاهش به ۷۲/۹ میلیارد دلار رسیده است.

	هزینه نظامی ۲۰۱۷ به میلیارد دلار	مقایسه با سال ۲۰۱۶ به درصد	۲۰۱۷-۲۰۰۸ به درصد
اروپا	۳۴۲	-۲/۲	۱/۴
اروپای مرکزی	۲۴/۱	۱۲	۲۰
اروپای شرقی	۷۲/۹	-۱۸	۳۳
اروپای غربی	۲۴۵	۱/۷	-۵/۷

در ظرف یک دوره ده ساله از ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷، هزینه های نظامی در کل اروپا ۱/۴ درصد افزایش را نشان می دهد. در اروپای مرکزی ۲۰ درصد و در اروپای شرقی ۳۳ درصد افزایش داشته در حالیکه در اروپای غربی ۵/۷ درصد کاهش داشته است. ۴ کشور از ۱۵ کشور دارنده بیشترین هزینه های نظامی در اروپای غربی قرار دارند. فرانسه با رتبه ششم، انگلیس با رتبه هفتم، آلمان با رتبه نهم و ایتالیا با رتبه دوازدهم در مجموع ۱۰ درصد از کل هزینه های نظامی جهان را به خود اختصاص داده اند. در اروپای مرکزی نگرانی از سوی روسیه باعث افزایش ۱۲ درصدی هزینه های نظامی شده است.

رومانی در ظرف یکسال ۵۰ درصد بودجه نظامی اش را افزایش داده و رتبه اول را در جهان دارد این درحالیست که روسیه ۲۰ درصد کاهش داشته ولی با اختصاص ۴/۳ درصد از GDP خود بالاترین میزان را در بین کشورهای اروپایی دارا می باشد.

در مقابل در حوزه آسیا و اقیانوسیه هزینه های نظامی ۴۷۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ بوده و دومین جایگاه را در سطح جهان داراست. هزینه ها در این حوزه ۳/۶ درصد نسبت به سال قبل و ۵۹ درصد در طی یک دهه گذشته رشد داشته است یکی از دلایل اصلی این افزایش، رشد توان نظامی چین می باشد که نرخ رشد هزینه های نظامی آن از ۵/۸ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۱۳ درصد در سال ۲۰۱۷ رسیده است. ۵ کشور از ۱۵ کشور اول در هزینه های نظامی (چین با رتبه دوم، هند با رتبه پنجم، ژاپن با رتبه هشتم، کره جنوبی با رتبه دهم و استرالیا با رتبه سیزدهم) در این منطقه قرار دارد. چین به تنهایی ۴۸ درصد از کل بودجه آسیا-اقیانوسیه یعنی ۲۲۸ میلیارد دلار از ۴۷۷ میلیارد دلار را دارا می باشد. (Wezeman & Wezeman, 2018)

	هزینه نظامی ۲۰۱۷ به میلیارد دلار	مقایسه با سال ۲۰۱۶ به درصد	۲۰۱۷-۲۰۰۸ به درصد
آسیا- اقیانوسیه	۴۷۷	۳/۶	۵۹
مرکز و جنوب آسیا	۸۲/۷	۳	۴۷
شرق آسیا	۳۲۳	۴/۱	۶۸
اقیانوسیه	۲۹/۹	-۰/۶	۳۲
جنوب شرق آسیا	۴۱/۱	۰/۱	۳۹

مقایسه در حوزه صادرات و واردات تسلیحات

میزان نقل و انتقال تسلیحات در سطح بین المللی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷ حدود ۸/۴ درصد رشد داشته و در بین سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ به بالاترین رشد خود بعد از جنگ سرد رسیده است. بیشترین افزایش در حوزه آسیا- اقیانوسیه و خاورمیانه و کمترین میزان در اروپا، آمریکا و آفریقا بوده است. ۵ صادر کننده بزرگ جهان آمریکا، روسیه، چین،

فرانسه و آلمان در مجموع ۷۴ درصد از صادرات تسلیحات در جهان را به خود اختصاص داده اند. آسیا-اقیانوسیه ۴۳ درصد از واردات تسلیحات جهان را بین سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ داشته است. هند با ۱۳ درصد رتبه اول واردات را دارد و بر خلاف چین که قادر به تولید بومی و جایگزینی آن با واردات شده هند شدیداً به واردات تسلیحات وابسته است. در بین صادرکنندگان تسلیحات، آمریکا یک سوم از کل صادرات جهان را داراست و نرخ صادرات آن بین سالهای ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ حدود ۲۱ درصد رشد داشته است. آمریکا تامین کننده تسلیحات ۱۰۰ کشور در جهان است و بیشتر صادرات آن به خاورمیانه می باشد. روسیه با ۲۳ درصد سهم از بازار جهانی تسلیحات در جایگاه دوم است و ۷۰ درصد از صادرات آن به کشورهای هند، ویتنام، چین و الجزایر است. چین نیز از ۳/۸ درصد سهم از بازار جهانی بین سالهای ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ به ۶/۲ درصد تا سال ۲۰۱۷ دست یافته است و در کنار صادرکنندگان بزرگ بعد از فرانسه و آلمان در جایگاه پنجم چه در حوزه صادرات و چه در حوزه واردات قرار گرفته است. شش کشور صادرکننده تسلیحات از بین ده کشور اول اروپایی هستند.

میزان واردات تسلیحات بین سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ در تقسیم بندی منطقه ای، ۴۲ درصد سهم واردات متعلق به آسیا-اقیانوسیه، ۳۲ درصد متعلق به خاورمیانه، اروپا ۱۱ درصد، آفریقا ۷/۲ درصد و آمریکا ۷/۱ درصد بوده است. واردات تسلیحات اروپا ۳۶ درصد در طی ۵ سال اخیر کاهش داشته است. ده صادر کننده و وارد کننده اول جهان در بین سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ در جدول زیر آمده است: (Wezeman, Fleurant & Others, 2018)

	صادرکننده	سهم جهانی به درصد	واردکننده	سهم جهانی به درصد
۱	آمریکا	۳۴	هند	۱۲
۲	روسیه	۲۲	عربستان	۱۰
۳	فرانسه	۶/۷	مصر	۴/۵
۴	آلمان	۵/۸	امارات	۴/۴
۵	چین	۵/۷	چین	۴

۶	انگلیس	۴/۸	استرالیا	۳/۸
۷	اسپانیا	۲/۹	الجزایر	۳/۷
۸	اسرائیل	۲/۹	عراق	۳/۴
۹	ایتالیا	۲/۵	پاکستان	۲/۸
۱۰	هند	۱/۲	اندونزی	۲/۸
	سایر کشورها	۱۰	سایر کشورها	۴۸

نگاهی دقیق به آمار مربوط به چین و جایگاه آن در حوزه نظامی دلیلی دیگر (در کنار جایگاه اقتصادی آن) برای ضرورت همکاری نزدیک اتحادیه اروپا با این کشور است. همانطور که در گزارشهای سیپری آمده است، چین دومین کشور بعد از آمریکا در میزان هزینه های نظامی و دارنده ۴۸ درصد از کل بودجه منطقه آسیا-اقیانوسیه است. همچنین پنجمین صادر کننده و وارد کننده بزرگ تسلیحات در جهان می باشد و در این بین فرانسه دومین صادرکننده تسلیحات به چین بعد از روسیه است در حالی که آمریکا در لیست تامین کنندگان سلاح برای چین قرار ندارد.

نتیجه گیری

بعد از روی کار آمدن ترامپ و دنبال کردن سیاستهای حمایت گرای و یکجانبه گرایی، شاهد تغییراتی محسوس در روابط چین و اتحادیه اروپا از عدم اعتماد به اعتماد سازی از نبود شفافیت به تلاش برای شفاف سازی و از همکاری صرف اقتصادی به مشارکت استراتژیک هستیم. در واقع جنگ تجاری که با سیاستهای ترامپ آغاز شده فرصت بی سابقه ای را برای نزدیکی چین و اتحادیه اروپا در زمینه هماهنگی جهت حمایت از قوانین تجارت بین المللی و چندجانبه گرایی در برابر یکجانبه گرایی و حمایت گرای ترامپ فراهم نموده است. از منظر استراتژیک سه مسئله برای شراکت طبیعی چین و اتحادیه اروپا به ویژه در حوزه اقتصادی و حمایت از تجارت بین الملل وجود دارد که می تواند همکاری نزدیک را بین آن دو فراهم کند:

۱- چین و اتحادیه اروپا هیچ گونه رقابت امنیتی با هم ندارند. برخلاف آمریکا که رشد نظامی چین به نوعی به چالش کشیدن هژمونی آمریکا در منطقه شرق و

جنوب شرق آسیا به حساب می آید، اتحادیه اروپا حضور امنیتی در آسیا ندارد لذا چالشی بین چین و اتحادیه اروپا در زمینه امنیتی وجود ندارد.

۲- چین و اتحادیه اروپا هر دو از بازیگران مهم اقتصادی در سطح جهانی هستند هماهنگی این دو بازیگر در اصلاح ساختار سیستم تجارت جهانی به ویژه بعد از اعمال تعرفه ها از سوی آمریکا می تواند نقش سازنده داشته باشد که هر دو طرف به آن اذعان و اتفاق نظر دارند.

۳- دستیابی به پیمان دوجانبه سرمایه گذاری BIT^۱ بین چین و اتحادیه اروپا می تواند ستون مهمی در حفظ ثبات سیستم تجارت جهانی در برابر حمایت گرای آمریکا باشد و همچنین الگویی کاربردی برای ترامپ که به جای راه اندازی جنگ تجاری از طریق گفتگو مشکلات تجاری را با چین حل و فصل نماید.
(Zhiqin,2018)

سیاست های سخت گیرانه ترامپ برای جبران کسری تجاری با چین و تاکیدش بر افزایش خرید محصولات آمریکایی توسط مصرف کنندگان چینی تا سقف ۲۰۰ میلیارد دلار ظرف دو سال آینده، چیزی که چین کاملاً با آن مخالف است، از یکسو و اختلاف تجاری آمریکا با اتحادیه اروپا، دو راه را پیش روی ترامپ قرار داده است: همکاری یا رقابت، اگر ترامپ بخواهد کسری تجاری با چین را از بین ببرد باید موضعش با اتحادیه اروپا موضع همکاری باشد (Reed,2018) چیزی که در عمل در خصوص برجام خلاف آن اثبات شده است و باعث ناامیدی اتحادیه اروپا شده است. در یک پیش بینی بلند مدت استراتژیک، رهبران اروپا باید به این احتمال بیندیشند که در صورت بروز رکود در اروپا، رشد اقتصادی شرق آسیا و بطور مشخص چین است که با ابتکار کمربند- راه تبدیل به بازیگری تعیین کننده خواهد شد، پس به جای جدال بر سر موضوع نگرانی از تسلط هژمونیک چین بهتر است به تاثیر مثبت پتانسیل عظیم چین در برقراری ثبات اجتماعی و تحول اقتصادی در مناطق پیرامونی اروپا توجه کرد. یکی از مواردی که کمتر در تحلیلها مورد توجه قرار گرفته نقش چین در کاهش موج مهاجرت از سوی کشورهای آفریقایی به سمت اروپا در آینده خواهد بود. تنها سرمایه گذاری کلان چین در

^۱ - Bilateral Investment Treaty.

زیرساختهای آفریقا است که قادر به کاهش موج مهاجرت از این کشورها خواهد شد. از این منظر همکاری و نزدیکی بیشتر چین و اتحادیه اروپا، فرصتی مناسب برای درک منافع مشترک در صحنه سیاست جهانی در دوره موسوم به "پس از آتلانتیک"^۱ (به دلیل سیاستهای یکجانبه ترامپ و ایجاد شکاف در روابط فرآتلانتیک) است. (Mayer, 2018)

اتحادیه اروپا هنوز چین را به عنوان یک تهدید می بیند و نه یک فرصت برای دستیابی به منافع مشترک در دنیای چندقطبی، برخی کشورهای اروپایی حتی سخن از "جهانی شدن با ویژگی های چینی"^۲ رانده اند. نفوذ چین در درون اتحادیه اروپا از دید برخی در حدی است که آنرا از یک بلوک منسجم در تصمیم گیریها به ویژه در خصوص چین خارج نموده است. این در حالیست که چین هنوز راه طولانی برای تبدیل شدن به یک هژمون را داراست از طرفی سیاستهای تهدید آمیز اقتصادی ترامپ برای چین و اتحادیه اروپا باعث نگرانی این دو شده و چین در تلاش است تا در این جنگ تجاری، اتحادیه را در کنار خود داشته باشد. بدین منظور اتحادیه اروپا باید کم کم چین را به عنوان یک شریک استراتژیک در مسائل بین المللی ببیند و نگاهش به چین هم فرصت باشد و هم تهدید و نه تنها تهدید صرف. تهدید از این منظر که نفوذ و سرمایه گذاری چین در برخی از کشورهای عضو اتحادیه برای انسجام آن تهدید به حساب می آید اما از جهت دیگر منافع حاصل از سرمایه گذاری و پروژه های توسعه ای چین در شمال آفریقا، آسیای مرکزی و خاور نزدیک از منظر امنیتی برای اتحادیه یک فرصت است به ویژه به دلیل تاثیر در کاهش موج مهاجرت از این مناطق به سمت اروپا. این نکته در سخنرانی خانم موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در فوریه ۲۰۱۷ در پکن مورد تاکید قرار گرفت که چین و اتحادیه اروپا می توانند در توسعه و ثبات افغانستان، در بازسازی سوریه، لیبی، شاخ آفریقا و سایر مناطق بحرانی در کنار هم قرار بگیرند و همکاری استراتژیک داشته باشند.

1. Post- Atlantic.

2. Globalization with Chinese Characteristics.

منابع و مأخذ

۱. تلاش‌های مشترک اروپا و چین در برابر سیاست‌های اقتصادی امریکا، March 29, 2018، در: <https://www.dw.com/fa-af>
۲. نگرانی اروپایی‌ها از نفوذ فزاینده‌ی چین در اتحادیه اروپا، 03.02.2018، در: <https://www.dw.com/fa-ir>
3. Wezeman, Pieter d. & Wezeman, Siemon t.(2018), Trend in World Military Expenditure, 2017,SIPRI Fact Sheet May 2018.In: https://www.sipri.org/sites/default/files/2018-04/sipri_fs_1805_milex_2017.pdf
4. Workman Daniel (2018),”China’s Top Trading Partners”,22 April,In: <http://www.worldstopexports.com/chinas-top-import-partners/>
5. “Action plan on the Belt and Road Initiative”, The State’s Council, The People’s Republic of China, March 30, 2015, In: http://english.gov.cn/archive/publications/2015/03/30/content_281475080249035.htm
6. Boffa, Mauro (2018), “Belt and Road Initiative”, World Bank Group, May, In: <https://www.worldbank.org/en/topic/regional-integration/brief/belt-and-road-initiative>
7. China-EU - International Trade in Goods Statistics, March 2018,In: https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/China-EU_-_international_trade_in_goods_statistics#EU_and_China_in_world_trade_in_goods
8. China Going Global Investment Index 2017,The Economist Intelligence Unit, In: http://pages.eiu.com/rs/753-RIQ-38/images/ODI_in_China_2017_English.pdf?
9. China EU Vow to Work more Closely to Defend Global Trade Order, 16 July, 2018,In: <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy-defence/article/2155440/china-us-and-russia-must-act-jointly-trade-maintain>
10. Erdal, Alper (2018), “China’s Policies in Eastern Europe: the 16+1 Initiative”, April 18,In: <https://www.europeangeneration.eu/single-post/2018/04/18/China’s-Policies-in-Eastern-Europe-the-161-Initiative>
11. “EU–China Economic Relations to 2025: Building a Common Future”,13 September 2017,In: <https://www.chathamhouse.org/publication/eu-china-economic-relations-2025-building-common-future>

12. EU China Relations,2018,In:
https://eeas.europa.eu/sites/eeas/files/factsheet_eu-china.pdf
13. EU-China 2020 Strategic Agenda for Cooperation,2018,In:
14. <https://eeas.europa.eu/sites/eeas/files/20131123.pdf>
15. Ghiasy, Richard; Zhou, Jiayi (2017), The Silk Road economic belt considering security implications and EU-China cooperation prospects, Berlin, In: <https://www.fes-asia.org/news/the-silk-road-economic-belt/> Or see in: <https://www.sipri.org/publications/2017/other-publications/silk-road-economic-belt>
16. Godement ,Francois & Vasselier, Abigael(2017),China at the gates: A new power audit of EU-China relations, In: https://www.ecfr.eu/publications/summary/china_eu_power_audit7242
17. Mayer, Maximilian (2018), Beyond Stereotypes, 31.07.2018, In: https://www.ips-journal.eu/regions/global/article/show/beyond-stereotypes-2882/?utm_source=taboola&utm_medium=referral
18. Raghavan. P.S (2017), “All Roads lead to Beijing”, International Politics & Society, 20.06. 2017,In: <https://www.ips-journal.eu/regions/asia/article/show/all-roads-lead-to-beijing-2111/>
19. Reed, Jason (2018), “Here's the only way Trump can win the two-front trade war with China and the EU”, 24 May 2018, In: <https://www.cnn.com/2018/05/24/trump-trade-wars-with-china-and-eu-pose-growing-global-dangers.html>
20. Saarela ,Anna (2018), “A New Era in EU-China Relations: more Wideranging Strategic Cooperation?”, In: [http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/570493/EXPO_STU\(2018\)570493_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/STUD/2018/570493/EXPO_STU(2018)570493_EN.pdf)
21. Wezeman, Pieter d. ,Fleurant, Aude & Others(2018), Trends in International Arms Transfers, 2017,In: https://www.sipri.org/sites/default/files/2018-03/fssipri_at2017_0.pdf